

درگذشت عبدالکریم نجفی، معمار سنتی خوافی

خواف یکی از شهرهای خراسان است که گنجینه‌های تاریخی بسیاری را در دل خود دارد. همین امر باعث شده است که در طول زمان معماران سنتی بسیاری در آن ظهور کنند که استاد عبدالکریم نجفی یکی از شاخص ترین آن‌ها محسوب می‌شود؛ مردی که سال ۱۳۲۶ در خواف به دنیا آمد و ۱۱ خرداد ۱۳۹۴ درحالی‌در سن ۶۸سالگی درگذشت که همگان او را یکی از معماران برجسته سنتی خراسان می‌دانستند. معمار سنتی برجستهای که مرمت برخی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین بناهای تاریخی خراسان بزرگ، از جمله رباط شرف سرخس، مسجدملک‌زوزن، مدرسه غیاثیه خرگرد خواف و... را در کارنامه خود داشت.

۱۱ خرداد ۱۳۹۴

حدیث روز

عزت و شخصیت مؤمن در بنی‌یازی و طمع نداشته به مال و زندگی دیگران است.

امام محمدتقی (ع)

اذان ظهر ۱۲:۲۹

غروب آفتاب ۱۹:۴۳

اذان مغرب ۲۰:۰۴

اذان صبح فردا ۳:۳۰

طلوع آفتاب فردا ۵:۱۵

 ۹٪ 	 ۱۹°
 ۳۱° 	 ظهر
 ۲۶° 	 شب

میشاق نامه

اخلاق حرفه‌ای

روزنامه شهر امید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
اشنبه
۱۳۰۳۰۹۰۹
۱۶صفحه + ۴صفحه خراسانیات
۸۱شوال ۱۴۴۱
۱۶+ صفحه شه ررا محله
شماره ۳۱۱۷ | ۱۰۰۰تومان


میشاق نامه
اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

مضارع مستمر

اگر مرگ این قدر روشن باشد

تا چند وقت پیش تر من یک آدمی بودم که انگار اصلا خواب نمی دیدم. خواب که می دیدم لاید اما بیدار که می شدم، هیچ چیز در خاطرم نبود، مگر یک چند تا تصویر کوتاه پراکنده که اصلا کنار هم جمع نمی شد. به هیچ طریقی هم روایتی به دست نمی داد که بشود برای کسی تعریفش کرد که مثلاً فلان اتفاق افتاد. اما از چندماه پیش خواب‌ها انگار فهمیده باشند این همه سال در حق من کوتاهی کرده اند به یک‌باره بر من هجوم آورنده، به روشن ترین شکل ممکن. اولین خواب واضحی که خط روایی مشخصی داشت درباره مرگ بود. و بعد از آن، همه خواب‌هایم بی واسطه و باواسطه دست آخر به مرگ رسیده است. در آن خواب کامل اول خودم را دیدم، به همین وضعیت و سن وسال که هستم. بقیه اجزای خواب مربوط به گذشته بود؛ من پرت شده بودم به روستای زادگاهم و با عمویم که خیلی سال پیش وقتی من ۱۲، ۱۰ سالم بود با دو چرخه ۲۸ قدیمی اش رفت زیر ماشین و مرد، داشتم درباره مرگ من حرف می زدیم. عمویم توی خوابم از روی دیوار باغ میرعمادی پرید توی حیاط؛ در دست مثل همه وقت‌هایی که از آبیاری می آمد پیش ما یک استکان چای بخورد و خستگی در کند. انگار که من آخرین لحظه های زندگی ام را سپری می کردم و نیم ساعتی بیشتر وقت نداشتم که پدر و مادرم را خبر کنم و آخرین حرف‌ها را باشان بزنم. از عمو خواستم برود پدر و مادرم را از آن سر حیاط درندشتمان صدا کند بیایند. خودم توان راه رفتن نداشتم. حس این را داشتم که انگار یک ماده‌ای در بدنم تزریق شده است که کم کم دارد اثر می کند و می خواهد مرا به یک خواب عمیق بربرد و بعد هم مرگ. هیچ ترس واضرابی نداشتم و فقط منتظر آن قافیل آخر بودم که ببینم چطور می گذرد. عمویم اما انگار مرگ را پیش تر به تمامی تجربه کرده باشد، هیچ عجله‌ای نداشتم و با تآنی و خون سردی زانداوصفی بیاله چایش را خوش خوش می نوشید؛ لاید اگر او هم دانسته

هر سه تاشان نشستند سر سفره ناشتا و بی هیچ زاری و اندوهی، خیلی معمولی درباره مرگ من حرف زدند؛ حتما آن‌ها به این یقین رسیده بودند که مرگ یک امر ناگزیر است و باید به راحتی درباره اش حرف زد؛ درست شبیه خوردن همان یک بیاله چای یا آن نان و پنیر و خیار تازه که سر سفره بود. عجیب بود که من هم که نمی از وجودم در هوشیاری جهان واقع بود و نیمی در گیر عالم خواب هیچ دلهره و ترسی نداشتم، انگار می کردم بعد سال‌ها به مهمانی عزیزان مُرده ام آمده ام. یادم است گفتم: فقط یک جای خوش آب‌وهوا باشد. و بعد کم کم آن خماری و کرختی مرگ آمد سراعم، خیلی نرم و روشن...

تاریخ سیاه‌پوستان، تاریخ آمریکاست!

درباره مورگان فریمن، بازیگر سیاه‌پوست آمریکایی که فردا ۸۳ ساله می‌شود

هدی جاودانی
h.javdani@shahraranews.ir

«چگونه به اینجا رسیده‌ایم؟ آیا ما بر روی زمین تنهاایم؟ چگونه اسرار کائنات با یف کردن یک سوفله شکلات در فرمی، توانند توضیح داده شوند؟» این «مورگان فریمن (۱۹۳۷)» است که با صدای آرام و دل نشین خود تلاش می کند تا در «گذر از کرم چاله (۲۰۱۰-۲۰۱۷)» به سوالاتی از این دست پاسخ دهد. برخی از صدها، بیش از دیگران ماهیت افسانه‌ای دارند و ردی عمیق در ذهن مخاطب بر جای می گذارند و به نظر می‌رسد فریمن نیز صدایی از این جنس دارد. اصلا بسیاری با شنیدن نام فریمن ممکن است پیش از به یادآوردن چهره اش، صدای پخته ویم او در خاطرشان نقش ببندد. فریمن احتمالا مناسب ترین راوی برای یک مستند علمی است. او با لحن آمیخته به طنزش مهم ترین سؤال خود را نیز در ادامه مطرح می کند: «با سفر در زمان این امکان را برای فریمن فراهم می آورد تا مادر بزرگ عزیز خود را دوباره ببیند؟»

اواسط سال ۱۹۸۰ بود که مورگان فریمن بازی در نقش های مکمل فیلم‌های سینمایی را آغاز کرد و تصویری اغلب پدرا نه، خردمند، مهربان و دوراندیش را تا همیشه در ذهن مخاطبان فیلم‌هایش از خود به ثبت رساند؛ راننده سیاه‌پوست زنی مسن و ثروتمند در «رانندگی برای خانم دیزی (۱۹۸۹)»، رد، شخصیت آرام و منطقی



در حاشیه تهدید ترامپ به تیراندازی به سوی معترضان آمریکایی



محمود آزاد نیا

فایده آواز قناری چیست؟

آن پیوند برادرانه که ادبیات میان انسان‌ها برقرار می‌کند و ایشان را وامی‌دارد تا با یا هم گفت‌وگو کنند و خاستگاه مشترک و هدف مشترک را به یاد ایشان می‌آورد، از همه موانع ناپایدار فراتر می‌رود. ادبیات از طریق متونی که به دست ما رسیده است ما را به گذشته می‌برد و پیوندی می‌دهد با کسانی که در روزگاران سپری‌شده سوداها به سر پخته‌اند، لذت‌ها برده‌اند و رؤیایها پروانده‌اند، و همین متون امروز به ما امکان می‌دهند که لذت ببریم و رؤیاهای خودمان را ببورانیم. این احساس اشتراک در تجربه جمعی انسانی در درازای زمان و مکان بالاترین دستاورد ادبیات است، و هیچ چیز به اندازه ادبیات در نو شدن این احساس برای هر نسل فزاینده نیست. بورخس همیشه از این پرسشش که «فایده ادبیات چیست؟» بر آشفته می‌شد. او این پرسش را ا بهلانه می‌شمرد و پاسخ آن می‌گفت «هیچ‌کس نمی‌رسد فایده آواز قناری و غروب زیبا

بزمه




میشاق نامه
اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

کسی نمی‌خواهد باور کند که جنگل دارد می‌میرد!

آتش‌سوزی درمراوع و جنگل‌های زاگرس همچنان ادامه دارد



آتش‌سوزی نپیرداخته‌اند و همین موضوع هم باعث شده است اقدامات در این زمینه کند باشد. مثلاً یکی از کاربران توئیتر موضوع آتش‌سوزی زاگرس را با موضوع آتش‌سوزی در استرالیا مقایسه کرده، ۲ عکس از حیوانات سوخته‌شده در آتش زاگرس گذاشته و نوشته است: «این حیات وحش زاگرس است که گله‌گله در آتش تلف می‌شود و هنوز خبری از آن در اینستاگرام فارسی نیست؛ شاید چون لایک‌خور کوالاهای سوخته‌استرالیا بیشتر بود.» کاربر دیگری درباره دره‌های دیگر این آتش‌سوزی نوشته است: «هم‌زمان که آتش را خاموش و مهار می‌کردیم، صدای تیراندازی از جبهه سمت چپ آمد که بعد متوجه شدیم ۲ شکارچی غیرمجاز از فرصت آتش‌سوزی استفاده و یک پازن را شکار کرده‌اند. از کدام غم زاگرس بگویم؟»

آن طور که اعلام شده است، در طول هفته گذشته ۱۱۰ فقره آتش‌سوزی در استان‌های جنوبی و زاگرسی به خصوص استان‌های بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، هرم‌زگان و فارس به‌وقوع پیوسته است، باین حال در ۶ مورد از این حریق‌ها در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (منطقه گچساران)، خوزستان (منطقه بهبهان) و بوشهر (منطقه دشتستان) به علت صعب‌العبور بودن و وزش باد شدید امکان اطفا از طریق زمینی میسر نیست و همین امر صدای فلالان محیط‌زیستی را برای ارسال بالگرد به این مناطق درآورده است.

همین موضوع را هم رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در گفت‌وگو باوزیر جهاد کشاورزی مطرح کرده بود که باعث شد،نویخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور ۱۵ میلیارد تومان برای تأمین تجهیزات و خدمات پروازی تخصیص دهد.

ماجرای یک نامه و پایان یافتن عمریک حزب

والمسلمین اکبرهاشمی رفسنجانی، به بنیان گذار انقلاب اسلامی تحویل شد، آن هم درحالی‌که این ۲ نفر رؤسای قوه مجریه و مقننه جمهوری اسلامی بودند و دیگر عضو مؤسس، یعنی آیتا، موسوی اردبیلی، ریاست مجموعه قضایی کشور را بر عهده داشت. اما این نامه نکته بسیار جالبی را در خود نهان داشت که کمتر بدان پرداخته شده است. تنظیم‌کنندگان نامه مهم ترین دلیل برای پایان بخشیدن به فعالیت مهم‌ترین حزب زاییده انقلاب اسلامی را همانا جلوگیری از تفرقه بیان کرده‌اند و در این نامه



رضا سلیمان نوری
بزهنگر تاریخ

می‌نویسند: «حساس می‌شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و بلعکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی‌سازی یکدیگر کند.» و درست به همین دلیل هم بنیان گذار کبیر انقلاب در متنی کوتاه ضمن اعلام موافقت با انحلال حزب جمهوری اسلامی ذکر می‌کنند: «حضرات آقایان مؤسسون محترم حزب موردعلاقه این جانب می‌باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمناً تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی موجب عتاب و لعنت است، و برخلاف اسلام، و تفرقه‌اندازی در این موقع از بزرگ‌ترین گناهان است.» این جملات با توجه به شرایط آن زمان کشور و حواشی موجود بین سران ۴قوه و طیف‌بندی‌های درون مجلس و دولت، پیام‌های بسیاری دارد؛ پیام‌هایی که به نظر می‌رسد در زمان حاضر هم بسیار شایان توجه است. از جمله آنکه رهبر کبیر انقلاب از مؤسسان حزب که رؤسای وقت ۴قوه هستند تقاضای اتحاد و همدلی می‌کنند و آن را لازمه پیشرفت ایران اسلامی می‌داند و همچنین تفرقه‌افکنی را از بزرگ‌ترین گناهان می‌داند، گناهی که متأسفانه هر چه از آغاز انقلاب می‌گذرد افراد بیشتری بدان دامن می‌زنند و بدین گونه فاصله جامعه با اجرای بسیاری از آرمان‌های انقلاب اسلامی بیشتر و بیشتر می‌شود.

مالکیت فرزند یا امانت؟

فرزند خود دارند؛ درحالی‌که پدر و مادر فقط یک امانت‌دار هستند، یعنی وظیفه دارند تا به‌بهترین صورت او را تربیت و وارد جامعه کنند و او حاکم بر سر نوشت خویش شود، هر چند عموم آن‌ها پدر و مادر را از مشورت خود دور نمی‌کنند. این تحول نیازمند قانون است. البته پس از مدتی آثار فرهنگی قانون نیز آشکار خواهد شد. تعلیق کردن قانون به وجود زمینه‌ها فرهنگی که اتفاق موجود است، به معنای نادیده گرفتن واقعیت است. هر چقدر هم وضع فرهنگی و اجتماعی خوب باشد، حتماً تعدادی جرم و انحراف خواهیم داشت، ولی واضح است که بخشی از آسیب‌های کنونی ناشی از بی‌توجهی به مبانی حقوقی است. حقوق زن، کودک و نوجوان از مهم‌ترین این موارد است.

سوز و زار

با امروز می‌شود ۹ روز که به تماشای آتش‌نشسته‌ایم؛ آتشی که هر روز و وسیع‌تر شد و هر شب نور چراغ جاده‌ها را تأمین کرد. آتشی که ذره ذره از سنجاب‌های بلوط جان گرفت، پرندگان را زنده زنده سوزاند، دسته‌دسته گله‌های گراز را فراری داد و هر روز از سبزی پهناور زاگرس کم کرد. بخشی از جنگل‌های زاگرس از جمعه ۲ خردادماه امسال در آتشی که به احتمال ۹۰ درصد عامل انسانی دارد، در حال سوختن است و وسعت آن هر روز بیشتر می‌شود اما ما در حال تماشا کردنییم. اینتا اینجا چند نقطه کوچک از خائیز را زخم زده بود اما آن قدر بی‌توجهی شد که از بهبهان گذشت و به دهدشت و طعمه حریق‌های رسید. خائیز منطقه‌ای حفاظت‌شده در کهگیلویه و بویراحمد است که حدود ۹۰ گونه حیوانی دارد و تادیروز ۲۰۰ هکتار از جنگل‌های این منطقه به خاکستر تبدیل شده است. «بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هکتار از مراتع و جنگل‌های بهبهان و دهدشت طعمه حریق شده است.» این را هم محمد داسمه، وکیل و فعال محیط زیست، به ایران گفته و افزوده است که «هیچ کاری از کسی بر نمی‌آید، نه دهنده‌ای وجود دارد، نه تجهیزات اطفای حریق، صدها هکتار از اراضی منطقه در حال سوختن است و ما در کنار ۲ میلیون و ۳ جنگلیان به تماشای آتش‌نشسته‌ایم!» عجیب است آتشی که بیشتر از یک هفته ۵ استان کشور را به خود مبتلا کرده، هنوز نتوانسته است با لگدی را برای اطفای حریق به پرواز در بیاورد. براساس گزارش‌های ارائه شده، اگر چه در این مدت زمان ۲ بالگرد از سمت استان فارس به سمت کوه سیاه بوشهر رفت تا بتواند این منطقه را از شعله‌های آتش برهاند ولی آن طور که مهتاب بذرافکن، فعال و پژوهشگر محیط زیست بوشهر، به ایران گفته است «هر ۲ بالگرد دچار نقص فنی شدند و نتوانستند کوه سیاه را از دهان آتش بیرون بکشند و آتش به سمت دیگر مناطق استان رفت.» دیروز ظهر هم اپرنا این خبر را منتشر کرد که «خستین آب‌پاش هوافضای سیاه دلفایی پیش به‌منظور خاموش کردن آتش در جنگل‌های کوه خائیز کهگیلویه و ارداین منطقه شد.» حوالی ساعت ۹ دیشب هم تستیم به نقل از اتابک، فرماندار کهگیلویه و بویراحمد خبر از مهار آتش در ارتفاعات خائیز داد. خیلی‌ها معتقدند رسانه‌ها به قدر کافی به این

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۵۷ ساختارهای سیاسی کشور را دچار تغییرات بسیاری کرد. یکی از این تغییرات در نحوه نگاه حکومت به احزاب بود، به نحوی که بر خلاف دوران پهلوی دوم که هیچ امکانی برای رشد و گسترش احزاب آزاد نبود و تنها در برخی اوقات ۲ حزب و در سال‌های آخر یک حزب دولتی اجازه فعالیت داشت، در روز‌های منتهی به انقلاب و ماه‌های نخست آن با توجه به نگاه بنیان گذار

کبیر انقلاب و سایر بزرگان دست‌اندر کار تشکیل نظام جدید، احزاب کوچک و بزرگ بسیاری را اندیشه‌ها و مرام‌های مختلف ظهور کردند. برخی از این احزاب چون نهضت آزادی و جریان‌های موسوم به ملی‌منهبی و البته فدائیان اسلام و مؤتلفه اسلامی مجموعه‌هایی بودند که در سال‌های پیش از انقلاب زندگی تقریباً زیرزمینی داشتند اما برخی چون حزب جمهوری اسلامی و حزب خلق مسلمان احزابی ایجاد شده در جریان انقلاب اسلامی بودند. در این بین ماجرای حزب جمهوری اسلامی بسیار خاص بوده است و هست، زیرا که الگوی ایجاد آن بارها در سال‌های پس از انقلاب در ایجاد احزابی چون کارگزاران سازندگی، مشارکت ایران اسلامی و اتحاد ملت تکرار و تکرار شد. الگویی که شامل دوره هم‌نشستن تعدادی از نخبگان بود به منظور هدایت فضای جامعه در راهی که می‌پنداشتند بهترین راه برای آینده نظام و انقلاب اسلامی است؛ حرکتی که متأسفانه تاکنون در اغلب موارد به سرانجام نرسیده است، چه آنکه نخستین حزبی که براساس این الگو ایجاد شد، یعنی حزب جمهوری اسلامی، پس از حدود ۹ سال فعالیت رسمی (حزب در سال‌های آخر تنها فعالیتانی نمادین بود) سرانجام به جایی رسید که سران تشکیل‌دهنده آن صلاح خود و جامعه را در آن دیدند که تمام فعالیت‌هایش را متوقف کنند. در روزی چون امروز از سال ۱۳۶۶ نمایای توسط ۲ نفر از ۳ نفر باقی‌مانده از جمع پنج‌نفره اولیه حزب، یعنی آقایان آیتا، سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام

... همان طور که گوسفند خود را می‌کشد یا زنده نگه می‌دارد مسئله این است که آیا کشتن بد است یا احساس مالکیت‌داشتن؟ قطعاً کشتن بد است، ولی ریشه این قتل در احساس مالکیت‌داشتن نسبت به کودک است. مالک است که می‌تواند دختر زیر سن ۱۸ سال را شوهر دهد، بدون آنکه رضایت داشته باشد. بسیاری هم آنان را شوهر نمی‌دهند که نزد خودشان باشد و این نوع تزویر دیگری از نگاه مالکیت‌محور به فرزند است. اتفاقاً تعداد این زنان که به‌دلیل ازدواج نکردن ناشی از مخالفت پدر و مادر در خانه مانده‌اند، بسیار زیاد است و اهمیت آنان کمتر از آن‌هایی نیست که کشته می‌شوند. ریشه همه این بحران‌ها در احساس مالکیتی است که پدر یا مادر نسبت به

ادامه ازسرفصل صفحه یک